

The Drivers of Democracy in the Islamic Republic of Iran on the Horizon of 1410

Askari Pourhabib

PhD Student in Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. porhabibasgari1@gmail.com

Ali Karimi Mellah⁻

Professor of Political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran
(Corresponding Author) Akm10@umz.ac.ir

Majid Tavassoli Rokanabadi

Associate Professor of Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. tavasoli@gmail.com

Abstract

Purpose: After almost half a century, Iranian society has been rapidly changing due to deep structural developments. These social transformations have led to a certain behavioral and value system that plays an important role in the emergence of areas of transition to democracy. The purpose of this research is to study the most important areas of transition to democracy in the Iran in the fifth decade of revolution with a futuristic approach.

Method: The present study makes use of trend analysis method and qualitative analysis. The statistical population consists of academic experts and authorities on the political transition. The sample size was determined by sequential theoretical sampling. The data-collection tool was a semi-structured interview reaching theoretical saturation through 16 interviews.

Findings: Factors such as the expansion of virtual social networks and activism, the reduction of government authority in the field of information monopoly, government accountability to the people due to the reduction of oil revenues and expansion of the new middle-class have strengthened democracy in society in the fifth decade of the revolution.

Conclusion: The drivers of democracy in Iran The fifth decade of the revolution is often social in nature and will emerge from the text of Iranian social identities. These factors will have a cumulative effect on each other as well as on the political structure of the process of consolidating democracy.

Keywords: Futures Studies, Trend Analysis, Drivers of Democracy, Iran 1410.

دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران

مقاله پژوهشی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ صفحه: ۹۳-۱۱۷

پیشران‌های مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۰^۱

عسکری پورحبیب

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. porhabibasgari1@gmail.com

علی کریمی‌مله⁻

استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. (نویسنده مسئول) Akm10@um.ac.ir

مجید توسلی رکن آبادی

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران. tavasoli@gmail.com

چکیده

هدف: جامعه‌ی ایران پس از چهار دهه به واسطه‌ی تحولات ژرف ساختاری، تغییرات شتابانی را تجربه کرده است. پیامد این دگرگونی‌های عمیق، تکوین نظام رفتاری و ارزشی خاصی است که نقش مهمی در پیدایش زمینه‌های تثبیت مردم‌سالاری دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی این زمینه‌ها در دهه‌ی پنجم انقلاب با رویکرد آینده‌پژوهانه است.

روش: در تحقیق حاضر از میان روش‌های مختلف آینده‌پژوهی، روش تحلیل روند برگزیده شد و در روش تحلیل از رویکرد کیفی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش گزیده‌ای از خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران در موضوع گذار سیاسی است که با نمونه‌گیری متوالی نظری به تعیین حجم نمونه پرداخته شد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است که با انجام ۱۶ مصاحبه به اشباع نظری رسید.

یافته‌ها: عواملی چون گسترش کنشگری شبکه‌های اجتماعی مجازی، کاهش اقتدار حکومت در زمینه‌ی انحصار اطلاعات، پاسخ‌گوتر شدن دولت به مردم به واسطه‌ی کاهش درآمدهای نفتی و گسترش طبقه‌ی متوسط جدید، از جمله پیشران‌های تثبیت مردم‌سالاری در دهه‌ی پنجم انقلاب خواهد بود.

نتیجه‌گیری: پیشران‌های مردم‌سالاری در ایران دهه‌ی پنجم انقلاب اغلب خصلتی اجتماعی دارد و از متن شناسه‌های محیط اجتماعی ایران خواهد رویید. این عوامل با تأثیری انباشتی بر یکدیگر و نیز بر ساختار سیاسی روند تحکیم مردم‌سالاری را موجب خواهد شد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، آینده‌پژوهی، پیشران‌های مردم‌سالاری، ایران ۱۴۱۰.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری با عنوان «گذار به دموکراسی در ایران با تأکید بر دهه‌ی پنجم انقلاب اسلامی»، دانشجوی: عسکری پورحبیب، استاد راهنما: دکتر علی کریمی‌مله، استاد مشاور: دکتر مجید توسلی رکن آبادی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران است.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

⁻ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۶

۱- مقدمه

آینده‌پژوهی حوزه‌ای بین رشته‌ای است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع و شناخت روندها در تحولات سیاسی و اجتماعی، تصویر آینده را برای ما تا حدودی ممکن می‌سازد (حسینی مقدم، ۱۳۹۱: ۱). علم سیاست نیز از جمله علوم است که کنشگران آن در شناسایی خط مشی‌ها، و حرکت برای نیل به آینده مطلوب کشورها نقشی مهم دارند و از جمله مهم‌ترین تلاش‌های اندیشمندان حوزه‌ی سیاست، تدوین سیاست‌هایی است که جامعه را به وضعیت مطلوب‌تر برساند. در این میان موج گذار به دموکراسی در قرن بیستم یکی از برجسته‌ترین رویدادهایی است که بخش بزرگی از دنیا را فرا گرفت به نحوی که می‌توان این قرن را قرن گذار به دموکراسی نامید (بشیری، ۱۳۹۴: ۵۹). دلیل این امر آن است که مردم‌سالاری مهم‌ترین دستاورد جامعه‌ی بشری است که کوشید با هدف برقراری نظامی عادلانه و انسانی در حیات سیاسی خود پدید آورد.

مردم ایران در یکصد سال اخیر دو انقلاب اثرگذار را تجربه کرده‌اند و طی آن برای رسیدن به مردم‌سالاری، راه‌های غیرانقلابی از قبیل تلاش در درون نظام‌های غیرمردم‌سالار برای اصلاح آن‌ها، تا فعالیت مدنی در خارج از این نظام‌ها؛ از چانه‌زنی سیاسی در محافل بالای قدرت، تا فشار از پایین و سیاست به شیوه‌ی خیابانی را هم با شکیبایی آزموده‌اند؛ اما علی‌رغم کامیابی‌ها، چالش‌های تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری همچنان تداوم یافته است. با این حال، جامعه‌ی ایران طی نیم‌قرن اخیر تحت تأثیر تحولات ژرف ساختاری و عواملی چون گسترش طبقه‌ی متوسط، افزایش کمی و کیفی دانشجویان، گسترش شبکه‌های مجازی، توسعه‌ی ارتباطات، شهرنشینی و جهانی‌شدن، با سرعت و از جهات مختلف شروع به تغییر کرده و دگردیسی‌های ژرفی را تجربه کرده است که به نوبه‌ی خود سیب تغییر در نظام قشرندی اجتماعی، تحول در نظام رفتاری و ارزشی و تغییرات فرهنگی دیگر شده است. به گونه‌ای که به گمان برخی آنچه در ایران می‌گذرد پیامدهای یک «انقلاب بی‌کنش» (منفعل)^۱ است که مقصود از آن تغییر می‌کند و به قول گرامشی انقلابی است «بدون انقلاب» (Forgacs, 2000: 246)

گسترش شتابنده‌ی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و افزایش شتابان شمار دانشجویان نسبت به جمعیت کل کشور، یکی از مهم‌ترین تحولات پس از انقلاب در ایران محسوب می‌شود که معمولاً خواستار آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و حکومت قانون هستند. این نیروی اجتماعی، ظرفیت خود را در فضای سیاسی ایران در تحولات گوناگون از جمله انتخابات خرداد ۱۳۷۶ و منازعات انتخاباتی خرداد ۱۳۸۸ به نمایش گذاشت. به علاوه طبق آمارهای رسمی، همزمان با

1. passive

رشد طبقه‌ی متوسط جدید فرهنگی، جمعیت تهیدستان و حاشیه‌نشینان شهرهای بزرگ افزایش یافته و شمار آن از رقم بیست میلیون فراتر رفته است (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۱ آبان ۱۳۹۶) که خود این مسئله می‌تواند بستر ساز بروز تحولات جدی شود.

از آنجا که حاشیه‌نشینان و تهیدستان از نظر سطح سواد و دسترسی به امکانات آموزشی در موقعیت مناسبی نسبت به اقشار دیگر قرار ندارند و از نظر اقتصادی محروم و نابرخوردار هستند، در نتیجه از استعداد نقش‌آفرینی‌های گوناگون منفی و یا مثبت در تحولات آتی کشور برخوردارند. این اقشار که اغلب مطالباتی معیشتی و اقتصادی دارند، در بحران‌های اجتماعی و سیاسی پشتیبان و دنباله رو هر کنشگری خواهند بود که داعیه‌ی پاسخ‌گویی به مطالباتشان را دارد.

چنین تحولاتی نشان می‌دهد که جامعه‌ی ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون به صورت بنیادین متحول شده که به نظر می‌رسد این تحولات اجتماعی در آینده به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، و بیان خواسته‌های سیاسی تسری خواهد یافت که با عنایت به تجربه‌های زیسته‌ی سیاسی دیگر جوامع، مطالبات سیاسی ناظر به مشارکت مؤثرتر در حیات جامعه با نرخ و شدت افزوتری مطرح خواهد شد. از این رو، بعد از کوشش آغازین جامعه‌ی ایران برای استقرار مردم‌سالاری با سویه‌ی دینی و دستاوردها و ناکامی‌های به دست آمده، اینک تأمل درباره‌ی موضوع تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری نهادینه در آینده بیش از هر زمان دیگری لازم به نظر می‌رسد. این پژوهش آینده‌پژوهانه، از طریق روش تحلیل روند می‌کوشد روند تثبیت مردم‌سالاری در دهه‌ی پنجم انقلاب را بررسی کند و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که عوامل و پیشران‌های اجتماعی تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری در دهه‌ی پنجم انقلاب ایران کدامند؟ در زمینه‌ی ادبیات پژوهش باید گفت، تاکنون برخی آثار به معرفی نظریه‌های موج جدیدگذار به مردم‌سالاری و امکان‌پذیری آینده‌پژوهی سیاسی پرداخته‌اند، اما نوآوری نوشته‌ی حاضر آن است که درصدد است با کاربست روش روند پژوهی پیشران‌های مردم‌سالاری در ایران را دهه‌ی پنجم انقلاب واکاوی نماید.

۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر از میان روش‌های مختلف آینده‌پژوهی، روش تحلیل روند و نیز روش تحلیل کیفی را برگزیده است. روش‌های تحقیق کیفی همانند مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته و تحلیل محتوا به شیوه‌ای طراحی شده‌اند که با کمک آن بتوان با مراجعه به یک موضوع خاص، رفتار و ادراک مخاطب هدف را آشکار ساخت. همچنین برای گردآوری اطلاعات از روش‌های دوگانه استفاده شده است. بدین ترتیب که در زمینه‌ی ادبیات موضوع، مفهوم‌شناسی و چارچوب نظری

از روش اسنادی و برای استخراج پیشران‌های دخیل در تثبیت و نهادینه‌سازی مردم‌سالاری در دهه‌ی پنجم انقلاب از روش کیفی مصاحبه استفاده شده است. مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته به مثابه‌ی یک شیوه‌ی گردآوری داده‌ها در یک تحقیق کیفی، روشی است که در آن از قبل پرسش‌های مصاحبه چیده می‌شود، سپس سؤال‌های یکسان از مصاحبه‌شوندگان پرسیده می‌شود و پاسخ‌دهندگان مختارند که به هر نحوی که تشخیص دهند، جواب دهند (دلاور، ۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۵۸). متن پیاده‌شده‌ی مصاحبه‌ها با روش تفسیری تحلیل گردیده است. محقق در این روش تحلیل، تلاش می‌کند تا آنجا که ممکن است، از طریق کدگذاری، پیام‌های پنهان را در متن مصاحبه روشن نماید (حافظ‌نیا، ۱۳۷۷: ۲۸۱). جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل کلیه‌ی پژوهش‌ها و آثار مربوط به موضوع گذار به دموکراسی و تحکیم آن و کلیه‌ی پژوهشگران و اساتید علاقمند به موضوع پژوهش و یا دارای تحقیقاتی در این حوزه، می‌باشد. برای سازماندهی چیش مصاحبه، از نظرات خبرگانی که در زمینه‌ی مردم‌سالاری تحقیقاتی داشتند استفاده شده است. برای تعیین روایی مصاحبه، ابتدا پرسش‌های مصاحبه برای تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ارسال و سپس با حذف موارد نارسا، روایی صوری احراز گردید. داده‌های میدانی به کمک مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با پژوهشگران حوزه‌ی علوم سیاسی به دست آمد و با ۱۶ نفر از افرادی که از اساتید و خبرگان دانشگاه‌های معتبر کشور بوده و در زمینه‌ی گذار به مردم‌سالاری تألیفات و تحقیقاتی داشته‌اند و نیز انجام مصاحبه با آن‌ها میسر بود، مصاحبه انجام شد و از این طریق اشباع نظری حاصل شد.

در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری آن با روش استراوس و کوربین^۱ انجام شد. بدین صورت که داده‌های کیفی استخراج شده از مصاحبه‌ها به صورت دستی و با روش کدگذاری در سه مرحله‌ی آزاد^۲، محوری^۳ و گزینشی^۴ تجزیه و تحلیل شد. روند تفسیر در این روش با کدگذاری باز شروع می‌شود، اما در مراحل پایانی روش تحلیل کدگذاری گزینشی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. کدگذاری مشتمل بر روشی است که در آن داده‌ها، تجزیه و مفهوم‌سازی می‌شوند و در کنار یکدیگر به شکل تازه‌ای چیده می‌شوند (Strauss & Corbin, 1994: 3)

-
1. Strauss & Corbin
 2. Open Coding
 3. Axial Coding
 4. Selective Coding

۳- مباحث نظری

۳-۱. آینده پژوهی

آینده پژوهی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای شامل تلاش برای شناخت حوادث و رویدادهای آینده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۸). توانایی و حفظ یک چشم‌انداز جامع و علمی از آینده و استفاده از این چشم‌انداز برای اتخاذ برنامه‌های مفید در حوزه‌ی مورد نظر از ویژگی‌های دانش آینده پژوهی است (عیوضی، ۱۳۹۳: ۳۱). آینده‌پژوهان برای مطالعه آینده، از سه رویکرد بهره می‌گیرند: رویکرد تجویزی یا هنجاری، رویکرد تصویرسازی، رویکرد تحلیلی-اکتشافی (علی احمدی، ۱۳۸۶: ۵). تاکنون روش‌های گوناگونی در آینده‌پژوهی به‌کارگرفته شده که برخی از مهم‌ترین این روش‌ها عبارتند از: توفان فکری (هم اندیشی)، تحلیل روند^۱، پایش روندها^۲، برون‌یابی روندها^۳، مدل‌سازی، شبیه‌سازی، تحلیل تاریخی و سناریوسازی (پدرام، ۱۳۸۸: ۱۰). در روش تحلیل روند به عنوان یکی از مدل‌های آینده‌پژوهی، ضمن گردآوری اطلاعات درباره‌ی روندها و رویدادهای مهم در قالب مؤلفه‌هایی چون، قدرت حوزه‌ی اجتماعی، فن‌آوری، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی و توجه به وضعیت گذشته و حال، تا حد زیادی می‌توان سیر رویدادهای آتی را پیش‌بینی، و پیامدهای آن را در چارچوب تهدیدها و فرصت‌ها دسته‌بندی کرد و به تبیین آینده پرداخت. به بیان دیگر تحلیل روند عبارت است از مطالعه‌ی یک روند مشخص به منظور کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه، و پیامدهای بالقوه آن (ملکی‌فر و دیگران، ۱۳۸۵: ۷۲).

امروزه بخش قابل توجهی از پژوهش‌های آینده‌پژوهانه، مبتنی بر روش تحلیل روند است که از اعتبار بالایی برخوردار است. در تحلیل روند می‌توان به ارزیابی مسائل و روندها و درک کامل محیط رسید، ظرفیت‌های بالقوه‌ی آینده را استنباط کرد، و با ترسیم چشم‌انداز، ضمن آمادگی برای رویارویی با فرصت‌ها و تهدیدها، برنامه‌ریزی راهبردی انجام داد و البته نباید در مسیر روند از عناصر شگفتی‌ساز غافل بود، زیرا در درازمدت این امکان وجود دارد که برخی از پیش‌بینی‌ها را با تغییر روبه‌رو کنند (منزوی، ۱۳۸۶: ۲۲).

۳-۲. تحکیم یا تثبیت مردم‌سالاری

موضوع گذار به دموکراسی و تحکیم و تثبیت آن از مهم‌ترین موضوعات جامعه‌شناسی سیاسی در چند دهه‌ی گذشته بوده است (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۱۸۴). مردم‌سالاری به منزله‌ی نوعی

-
1. Trend Analysis
 2. Trends Monitoring
 3. Trends Projection

ساخت سیاسی و شیوه‌ی حکومت در فرازهایی خاص از تاریخ جوامع بشری تکوین و رشد یافته است. به‌ویژه در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، اندیشه و عمل دموکراسی‌خواهی چنان فراگیر شد که بسیاری از کشورها از نظام‌های سیاسی غیرمردم‌سالار در قالب موج‌های دموکراسی به سوی نظام سیاسی دموکراتیک گذار کردند. شایان گفتن است که اگرچه روند دموکراسی‌سازی در یک ارزیابی کلی فرآیندی گسترش‌یافته بود، اما مسیری هموار و یکنواخت را طی نکرده، بلکه گاهی با فراز و فرودها و حتی موج‌های بازگشت نیز روبه‌رو شده است. هانتینگتون معتقد است، با توجه به این‌که امواج دموکراسی و امواج مخالف آن بر اساس الگوی دو گام به جلو و یک گام به عقب عمل کرده‌اند، در مجموع گرایش‌های دموکراسی‌خواهانه به صورت جهانی درآمده و اکثر کشورها را دربرگرفته است (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۳۰). با این حال به باور بسیاری منطقه‌ی خاورمیانه، تنها منطقه‌ای از جهان است که موج سوم را به‌طور فراگیر تجربه نکرده است (به استثنای ایران، ترکیه و لبنان). این مسئله درباره‌ی موج دوم نیز اتفاق افتاد و خاورمیانه در موج دوم نیز فقط شاهد بروز تجربه‌ی دموکراسی در ترکیه و ایران بوده است (فاضلی، ۱۳۸۹: ۸).

هر چند در موج سوم دموکراسی، بسیاری از کشورها به سوی نوعی نظام سیاسی دموکراتیک گذار کردند، اما این حرکت دارای نوسان بوده و همیشه قرین کامیابی کامل نبوده است، بلکه به گواهی تاریخ، بازگشت به اقتدارگرایی امکان‌پذیر و گاه غالب تحولات سیاسی کشورهای جهان بوده است. به بیان دیگر مردم‌سالاری پدیده‌ای مدرج نشان داده شده است و همه‌ی کشورها در موج‌های دوم و سوم به یک اندازه دموکراتیزاسیون را تجربه نکرده‌اند؛ بلکه برخی، علی‌رغم تلاش‌های اجتماعی گسترده، گذاری موفقیت‌آمیز نداشته، برخی دیگر پس از سقوط رژیم‌های اقتدارگرا، از مرحله‌ی ایجاد دولت دموکراتیک بازمانده و گروهی دیگر نیز علی‌رغم سقوط رژیم اقتدارگرا و ایجاد حکومت جایگزین، هنوز دموکراسی را در جامعه‌ی خود تحکیم و تثبیت نکرده‌اند.

«تثبیت» دموکراسی، به معنی وارد کردن رویه‌های مردم‌سالارانه به زیرساخت‌ها به گونه‌ای است که برای نظام امنیت ایجاد کند و به‌طور کلی به صورت راه مناسب شکل دادن به عرصه‌ی سیاسی شناخته شود (گیل، ۱۳۹۴: ۳۳۳). از آنجا که از یک سو، روند گذار دموکراتیک اگر درست پیش رود، راه را برای سومین مرحله در فرایند گذار، یعنی تثبیت دموکراسی باز می‌کند، (گیل، ۱۳۹۴: ۳۳۳) و از سوی دیگر، برخی از پژوهشگران همان متغیرهای مهم دخیل در فرایند گذار را عوامل مؤثر بر تحکیم و تثبیت دموکراسی نیز دانسته‌اند (فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)، لذا به‌جای پرداختن صرف به نظریه‌های گذار، تأمل نظری با اتکا بر آرای گیل، با تمرکز بر مرحله‌ی تثبیت یا تحکیم دموکراسی صورت می‌گیرد.

در نگاه برخی صاحب نظران متغیرهای مؤثر بر تثبیت دموکراسی عبارتند از: مدرنیزاسیون اقتصادی-اجتماعی، نقش دولت در فرایند مدرنیزاسیون، ساختار قدرت نسبی، طبقات اجتماعی و گروه‌های ذی نفع، ظرفیت دولت دموکراتیک، میراث نظام اقتدارگرایی قبل از گذار، جایگاه کشور در نظام جهانی بازار و وابستگی، جایگاه کشور در نظام جهانی دولت‌ها و مبنای ساختاری احزاب سیاسی که هر یک از این عوامل در شرایط خاصی بر تثبیت و تحکیم دموکراسی تأثیر می‌گذارند (فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

گیل نیز با برشمردن معیارهای مختلف برای قراردادن دموکراسی در فهرست مردم‌سالاری تثبیت شده با استناد به آرای اندیشه‌وران مختلف، متغیرهای گوناگونی همچون ساختارهای نهادی مثل انتخابات، نخبگان سیاسی و التزام آنان به قواعد و رویه‌های دموکراتیک، نهادهای مدنی به مثابه‌ی محل اتصال و ارتباط نظام سیاسی و توده‌های مردم و به منزله‌ی انبان ارزش‌های دموکراتیک را، دارای نقشی بااهمیت در پایداری و ثبات دموکراتیک می‌داند. به باور وی تثبیت دموکراسی از طریق رشد و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی قدرتمند تقویت می‌شود که عرصه‌ای برای گفتگوهای عمومی به شمار می‌رود. بنابراین، از منظر فونکسیونالیستی، نیروهای جامعه‌ی مدنی نقش بارزی در تمامی مراحل دموکراتیک شدن جامعه از جمله مرحله‌ی تثبیت آن ایفا می‌کنند. علاوه بر آن، در کنار حضور و نقش‌آفرینی نیروهای جامعه‌ی مدنی، عوامل اقتصادی و عملکرد اقتصادی در زمینه‌ی رفاه جامعه، رشد اقتصادی، کاهش و کنترل تورم و کاهش نابرابری‌های اقتصادی، اهمیتی انکارناپذیر در تثبیت مردم‌سالاری دارند (گیل، ۱۳۹۴: ۳۳۳-۳۴۲). همان‌گونه که لیپست در پژوهشی (۱۹۵۹)^۱ اظهار داشت که درجه‌ی خاصی از پیشرفت اقتصادی پیش‌نیاز استقرار مردم‌سالاری است. بر این اساس، ثروت اقتصادی موجب توسعه‌ی آموزش، ایجاد سطح بالای سواد، گسترش شهرنشینی، تقویت رسانه‌های جمعی، و تلطیف منازعات سیاسی می‌شود و تحقق این شرایط برقراری مردم‌سالاری را به دنبال خواهد داشت. در واقع به گمان برخی، توسعه‌ی اقتصادی مهم‌ترین پیش‌شرط برقراری مردم‌سالاری است (Lipst, 2002: 105-106). البته قابل اشاره است که در سال‌های اخیر این باور که دموکراسی معلول رشد اقتصادی و افزایش سطح سواد است، به نقد کشیده شده است. در نظریه‌های جدید این عوامل اگر چه شرط لازم دموکراتیزاسیون محسوب می‌گردند، اما شرط کافی به شمار نمی‌آیند (بشیری، ۱۳۹۴: ۵۰).

1. Seymour Martin Lipset, "Some Social Requisites of Democracy; Economic Development and Political Legitimacy" American Political Science Review, 53 (March 1959)

مطابق ادبیات تحقیق، عوامل و شرایط گذار به مردم‌سالاری به سه دسته ساختاری، کوتاه‌مدت و ترکیب نظریه‌های کنش‌گرایانه و جامعه‌محور قابل تقسیم است. نظریه‌های ساختاری به این امر می‌پردازند که علل اصلی گذار، ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و طبقاتی هستند. نظریه‌پردازان این دیدگاه معتقدند با ایجاد توسعه اقتصادی در قالب اقتصاد بازار آزاد، گسترش شهرنشینی و ظهور طبقه متوسط شهری و تقویت جامعه مدنی، می‌توان مسیر جامعه را به سمت گرایش‌های مردم‌سالاری پیش برد (مور، ۱۳۶۹: ۱۴). اما در نظریه‌های کنش‌گرمحور تحول دموکراتیک بر مدار تلاش‌ها و مبارزات عاملان سیاسی رقم می‌خورد و عامل انسانی - شامل رهبران جناح‌های مختلف حکومت اقتدارگرا، نخبگان سیاسی دموکراسی‌خواه و توده‌های مردم خواستار دموکراسی - عناصر اصلی در شکل‌گیری روند دموکراسی‌سازی معرفی می‌شود (Clark & Feworaker, 2001: 215). به نظر گیل در جایی که نیروهای جامعه مدنی قدرتمند و از پایگاه مردمی گسترده برخوردار است و ابزارها و منابع کافی برای تجمع منافع هواداران و تبیین آن‌ها در عرصه سیاسی داشته باشند، توانایی تأثیرگذاری آن‌ها بر تحولات، افزایش خواهد یافت و همین فشار برای اعمال تغییرات در نهایت منجر به دموکراتیک‌سازی می‌شود (گیل، ۱۳۹۴: ۱۷۹-۱۸۰).

ناگفته نماند که هر دو دسته نظریات ساختاری و کارگزارمحور دموکراسی‌سازی با انتقاداتی مواجه شد که محور آن‌ها تفکیک نقش و تأثیر ساختارهای اجتماعی و عاملیت سیاسی در روند دموکراسی‌سازی بوده است. به همین دلیل پس از دهه‌ی ۱۹۹۰ با توجه به رابطه‌ی متقابل ساختار و عاملیت در تحولات جامعه، نظریات جامع دموکراسی‌سازی تدوین شد. به همین دلیل دسته‌ی سوم از ترکیب نظریه‌های ساختارمحور و کارگزارمحور به وجود آمد که هم بر نقش و تأثیر ساختارها و هم بر نقش و تأثیر نخبگان و جنبش‌های اجتماعی تمرکز می‌کند (کدیور، ۱۳۸۶: ۳۷-۸۴).

هرچند بسیاری از اندیشه‌وران به نقش عامل فراملی و فشارهای بین‌المللی در فرایند گذار دموکراتیک نیز اشاره کرده اند (گیل، ۱۳۹۴: ۳۳ و قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۲۳۸)، اما این پژوهش نقش تعیین‌کنندگی برای عوامل و زمینه‌های داخلی قائل است و با الهام از آرای گیل در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر مرحله‌ی تثبیت مردم‌سالاری و با استفاده از روش روندپژوهی، با تکیه بر برخی دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی در دوره‌های مختلف پس از انقلاب، با ترکیبی از نظریه‌های کنش‌گرایانه جامعه‌محور و ساختارمحور به معرفی پیش‌ران‌های مردم‌سالاری در دهه‌ی پنجم انقلاب می‌پردازد.

۴- روند مردم‌سالاری در بستر دگرگونی‌های اجتماعی در ایران

همه‌ی جوامع با برخی تفاوت‌ها در سرعت و شدت، در حال تحول‌اند و جامعه‌ی ایران هم از این قاعده مستثنی نبوده و در ابعاد گوناگون در حال تغییر بوده است. از این رو، بررسی فرآیندها، روندها، تغییر نگرش‌ها و رفتارها در جامعه‌ی ایران به دلیل تحولات سریع در ابعاد مختلف جامعه، موضوع تحلیلی جذابی است. شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با سومین موج دموکراسی مورد نظر هانتینگتون، مصادف شد. این جنبش مردمی متأثر از مبانی فکری و عقیدتی شیعه و جنبش‌های آزادی‌خواهانه در دنیا، با ترکیبی از جمهوریت و اسلامیت، در نهایت منجر به شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی شد (شهرام نیا، ۱۳۹۲: ۷۰).

یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی تغییر درک مردم از نابرابری بود. برخلاف دوران قبل از انقلاب که تا حد زیادی درک مردم از نابرابری بر اساس پنداشت نوعی قشربندی بسته‌ی اجتماعی قرار داشت، بعد از انقلاب به تدریج مردم به نوعی درک قشربندی باز رسیدند. قبل از انقلاب مردم فکر می‌کردند منزلت اجتماعی بالا، منحصر به «هزار فامیل»^۱ است و مردم عادی نمی‌توانند بدان دست یابند. لذا مردم شانس برای دستیابی به فرصت‌های اجتماعی، به‌ویژه فرصت‌های آموزشی نداشتند و سیاست‌های اجتماعی از جمله سیاست آموزش عالی، دربرگیرنده‌ی تمام مردم نبود؛ اما بعد از انقلاب، تحرک اجتماعی شدید و وسیع رخ داد و سیاست‌های اجتماعی دربرگیرنده برای دستیابی به فرصت‌های جدید اجتماعی، زندگی بسیاری را تغییر داد. در نتیجه‌ی این تحرک اجتماعی، گروه‌های مختلفی جزو قشرهای مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی طبقه‌ی حاکم می‌شوند و بعد از چند وقت جای خود را به گروه‌های دیگر می‌دهند (محمدی: ۱۳۹۷: ۳۲).

۴-۱. طبقه‌ی متوسط

در سال‌های پس از انقلاب، به‌ویژه در سالیانه‌ی برنامه‌های نوسازی که از دهه‌ی ۱۳۷۰ شروع شد، به تدریج زمینه‌ی رشد شهرنشینی، ارتقای سطح تحصیلی و گسترش تحصیلات دانشگاهی فراهم شد. ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، تحولات قابل توجهی در حوزه‌ی شهرنشینی و موضوعات مرتبط با آن پشت سر گذاشته است. اجرای برنامه‌های نوسازی در دولت سازندگی باعث رشد و افزایش طبقه‌ی متوسط جدید و فرهنگی شد. این امر

۱. «هزار فامیل» مفهومی است که به دودمان‌های حکومت‌گر ایران در دوران قاجار و پهلوی اطلاق می‌شود که منشاء قدرت، ثروت و موقعیت اجتماعی آنان، عموماً به پیوند با دربار و دستگاه حکومتی و سوء استفاده از این وابستگی باز می‌گردد. دیوانسالاری ایران در آن دوره‌ها عمده‌ترین عامل کسب ثروت‌های کلان - و به تبع آن پیدایش دودمان‌های ممتاز - بود.

با توجه به محدودیت‌های مشارکت سیاسی، روابط اقشار تحصیل‌کرده و روشنفکر را با نظام سیاسی و دولت به چالش کشاند (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). به گفته‌ی برخی صاحب‌نظران، طبقه‌ی متوسط در ایران با دو خصلت متناقض شکل گرفته است. این طبقه با درآمد نه چندان بالا؛ اما با ویژگی فرهنگی شکل یافته است (هزارجریبی، ۱۳۸۹: ۸۴).

آمارها نشان می‌دهد که گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشین از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۲۶) که این امر به دلیل برخورداری از امکانات وسیع‌تر ارتباطی و آموزشی، در گرایش شهرنشینان به مطالبات مردم‌سالاری مؤثر بوده است. به علاوه، سیاست‌ها و اقدامات نظام در زمینه‌ی توسعه‌ی آموزش، باعث تحولی شگرف در جامعه شد، به طوری که در سال ۱۳۷۵ نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت بالای شش سال کشور باسواد بودند، اما این رقم در سرشماری سال ۱۳۹۵ به حدود ۸۷ درصد افزایش یافت و در سال ۱۳۹۸ بر اساس آخرین سرشماری نرخ باسوادی در کشور به مرز ۹۶ درصد رسیده که در برخی استان‌ها از این رقم هم بیشتر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۲۸). طبق آمارها در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ حدود ۳۵٫۵ درصد از زنان ایران باسواد بودند. پس از آن تعداد زنان باسواد کشور از ۴۱/۱ درصد جمعیت باسواد کشور در سال ۱۳۶۵ به ۴۵/۹ درصد در سال ۱۳۷۵ و طبق آخرین آمار در سال ۱۳۹۸ به ۸۲/۲ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۲۸).

همچنین طبق آماری دیگر، در حالی که در سال ۱۳۵۷ تنها ۱۵۴ هزار دانشجو در دانشگاه‌های کشور مشغول تحصیل بودند، از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵، طی نزدیک به سه دهه، تعداد دانشجویان ۱۸ برابر (۲ میلیون و ۸۲۹ هزار نفر) شد (ایسنا، ۹ خرداد ۱۳۹۷). همچنین بر طبق آخرین گزارش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در سال ۱۳۹۵، در ایران ۲ هزار و ۶۴۰ دانشگاه وجود دارد که از این میان سهم وزارت علوم از جمعیت دانشجویی ۶۸ درصد و سهم دانشگاه آزاد ۳۲ درصد است (ایسنا، ۱۰ مرداد ۱۳۹۵). این افزایش کمی و کیفی آموزش در حالی رخ داده است که به موازات آن نرخ اشتغال‌زایی رشد نکرده است. به گواهی آمار، نرخ بیکاری در ایران در میان طبقه‌ی متوسط که در سال ۱۳۸۵ به ۱۹/۷ درصد رسیده بود، در پایان سال ۱۳۹۱ به ۳۱/۳ افزایش یافت. در سال ۱۳۹۸، نرخ بیکاری افراد ۱۵ سال به بالا ۱۰٫۵ درصد ثبت شده است (<https://www.amar.org.ir/news/ID/12815/>). در حوزه‌ی اشتغال زنان نیز با وجود افزایش تعداد زنان شاغل طی این مدت، اما سهم آنان از کل اشتغال، کاهش داشته است. از کل جمعیت شاغل کشور در تابستان ۱۳۹۸، حدود ۸۲٫۱ درصد را مردان و ۱۷٫۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. مقایسه‌ی سهم زنان از جمعیت شاغل (۱۷٫۹ درصد) با

سهم زنان از جمعیت بیکار (۳۴,۱ درصد) حاکی از محدودیت‌های زنان برای ورود به بازار کار نسبت به مردان است.

جدول ۲- جمعیت فعال، شاغل و بیکار به تفکیک زنان و مردان طی تابستان ۱۳۹۸ و ۱۳۹۷

نوع	تابستان ۱۳۹۸						تغییر (نفر)	
	مردان			زنان			مردان	
	نفر	سهم (%)	نفر	سهم (%)	نفر	سهم (%)	نفر	سهم (%)
فعال	۵۲۰۵۶۶۸	۱۹,۶	۲۲,۲۳۹,۵۱۴	۸۰,۲	۵۴۰۳,۶۶۶	۱۹,۸	۲۱,۸۵۲,۶۹۰	۸۰,۲
بیکار	۹۸۶,۳۱۸	۳,۱	۱,۹۰۷,۷۸۰	۶,۵	۱,۰۷۷,۸۰۲	۳,۴	۲,۲۷۱,۳۸۹	۶,۷
شاغل	۳,۴۱۹,۲۵۰	۱۷,۹	۲۰,۳۲۱,۵۲۲	۸۲,۱	۴,۲۲۵,۹۶۲	۱۸,۹	۱۹,۵۸۱,۲۰۱	۸۱,۹

منبع: داده‌ها مرکز آمار ایران

وضعیت بیکاری برای جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال کشور به مراتب هم برای مردان و هم برای زنان نامناسب‌تر از کل جمعیت کشور است. آمارها نشان می‌دهد بیش از ۷۵ درصد بیکاران کشور در گروه سنی ۱۸-۳۵ ساله قرار دارند و بخش قابل توجهی از آنها (حدود ۶۲ درصد) نیز مرد هستند. طی سال ۱۳۹۸، نرخ بیکاری مردان جوان ۱۸ تا ۳۵ سال برابر ۱۷,۹ درصد و نرخ بیکاری زنان جوان در تابستان ۱۳۹۸ حدود ۳۱,۶ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۲۸: ۱۳۹۸).

نکته مهم اینجاست که سهم تحصیل‌کردگان دانشگاهی از کل بیکاران، با رشد ۴/۳ درصدی در بازه‌ی یکساله همراه شده است. طبق آخرین آمار، معادل ۴۳/۸ درصد از جمعیت بیکار ایران را فارغ‌التحصیلان عالی تشکیل می‌دهند (<https://www.amar.org.ir/news/ID/12815>).

مطابق مباحث نظری، نوسازی اقتصادی- اجتماعی هم از زاویه‌ای که لیست درک می‌کرد، مبنی بر این که رشد طبقه‌ی متوسط، از رهگذر توسعه‌ی آموزش و گشودن افق بینش مردم به گسترش انگاره‌های مردم‌سالاری می‌انجامد، و هم از این زاویه که موجب ایجاد تکرار اجتماعی و اقتصادی می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)، به عنوان متغیری اثرگذار در تثبیت مردم‌سالاری عمل خواهد کرد. «دانشگاه در قالب نهادی اجتماعی ارزش‌هایی را در ماهیت خود داشته و آن را از طریق برون‌داد و برهمکنش مداومی که با بافت دارد، به جامعه وارد کرده و سبب شکل‌گیری هنجارهای جدید می‌شود. این هنجارهای جدید خود می‌تواند خالق نوع جدیدی از فرهنگ باشد که گاه در تعارض جدی با سنت‌های گذشته هستند (فریدونی و رشیدی، ۱۳۹۸: ۴۲). شایان گفتن است که اثر تثبیت‌کنندگی این متغیر برای مردم‌سالاری اقتضائی و مشروط به فراهم بودن سایر زمینه‌های ساختاری و کارگزاری از قبیل فقدان تمایزات و نابرابری‌های اجتماعی، چیرگی فرهنگ و ارزش‌های معتدل و تنوع‌پذیر، قوت نسبی نیروهای جامعه‌ی مدنی، قابلیت مطلوب حکمرانی و غیره است.

۴-۲. شبکه‌های اجتماعی مجازی

در دنیای امروز، شبکه‌های جدید اجتماعی، به ابزاری مهم برای عملکرد مردم‌سالاری تبدیل شده‌اند. در پرتو این فن‌آوری شهروندان می‌توانند به دو شیوه‌ی مستقیم و غیرمستقیم به تمرین کنشگری پرداخته و در بستر آن تاحدودی با روش‌ها و کاربست‌های مردم‌سالاری آشنا گردند. در شیوه‌ی مستقیم، شبکه‌های اجتماعی مجازی با فراهم کردن اطلاعات و داده‌های مورد نیاز شهروندان، در فرآیند سیاسی به آن‌ها کمک می‌کند که این امر می‌تواند باعث تقویت مشارکت سیاسی شهروندان گردد. همچنین، شبکه‌های اجتماعی مجازی در نقش غیرمستقیم، به تحکیم برداشت‌ها و نگرش‌هایی همچون اعتماد و احساس اثربخشی می‌پردازد که تعمیق این برداشت‌ها به نوبه‌ی خود به افزایش مشارکت سیاسی می‌انجامد (رهبر قاضی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۸). این شبکه‌ها، روابط دولت و مردم را نیز دگرگون کرده‌اند. «دسترسی مردم به ابزارهای ارتباطی که به افزایش سرعت انتشار اطاعات کمک کرده است، سبب شده تا هرگونه کاستی در سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی که حاصل تصمیمات سیاست‌گذاران بوده است آشکار شود» (لسان طوسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲۵) این امر مردم را به ناظران آگاه عملکرد دولت‌ها تبدیل کرده است.

از منظر کارکردگرایانه، این شبکه‌ها به سطوح بالای همکاری، اعتماد، مشارکت مدنی متقابل و بهزیستی جمعی می‌انجامد (فاین، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۶۱)، مهارت‌های مدنی را تقویت و روح مدنی و اراده باوری و حس اثربخشی و کارآمدی را اشاعه می‌دهد و به منزله‌ی آموزشگاه دموکراسی، مهارت‌ها و قابلیت‌های شهروندی را آموزش می‌دهد و با افزایش سطح آگاهی‌ها و مهارت‌های سیاسی مردم، در عمل به تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری کمک می‌کند. البته شایان اشاره است که صاحب‌نظران گوناگون، تأثیر شبکه‌های اجتماعی جدید را فقط مثبت ندانسته، بلکه برخی معتقدند که شبکه‌های نوین، سیاست جدیدی را صورت‌بندی کرده‌اند که از یک سو به پوپولیسم دامن زده و از سوی دیگر به افزایش آگاهی، ارتباط مردم با دولت و شفافیت بیشتر انجامیده‌اند. طبق آمار موسسه‌ی (CIA world fact book)، ایران بیست و یکمین کشور با ۳۶ میلیون و ۷۰ هزار مشترک در حوزه‌ی تعداد کاربران اینترنتی است. پیش از این نیز اتحادیه جهانی مخابرات در آمار خود (درسال ۹۶) از صعود یک پله‌ای ایران در توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات خبر داده بود (دنیای اقتصاد، ۱۲ شهریور ۱۳۹۹) و این در حالی است که میزان دسترسی کاربران اینترنت در سال ۲۰۰۰ فقط ۳/۸ درصد از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌داد که نشان از گسترش روزافزون کاربران اینترنت در کشور دارد.

بیشتر مخاطبان و فعالان شبکه‌های مجازی را طبقه‌ی متوسط جدید تشکیل می‌دهد. در ایران با رشد ضریب نفوذ اینترنت، همه‌ساله بر تعداد این شبکه‌ها افزوده می‌شود. این مسئله، گسترش

فرهنگ طبقه‌ی متوسط را به دنبال خواهد داشت. شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با تأکید بر شاخص‌های آگاهی، مشارکت، تحول در رابطه‌ی جامعه و دولت، موجب تأثیرات خاص در مردم‌سالاری در ایران همچون خصوصی شدن بسیاری از امور فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و انفعال سیاسی شده است (امینی و یوسفی ثابت، ۱۳۹۸: ۱). افزایش جریان تبادل اطلاعات سیاسی به صورت افقی و ارتقای قابلیت کنشگری سیاسی شهروندان، نشان از قدرت شبکه‌های اجتماعی برای تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی دارد، مانند آنچه در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ رخ داد و به عنوان تنها وسیله‌ی ارتباطی معترضان، آنان را هم‌زمان در بیش از ۸۰ شهر ایران بدون داشتن حزبی سراسری و یا رهبری مشخص، گسترده کرد.

۴-۳. نفت

برخی اندیشمندان اعتقاد دارند، دولتهایی که دارای درآمد ثابت از منابع طبیعی هستند، گرایش پایینی نسبت به رعایت فرایندهای مردم‌سالاری دارند (Luciani, 1986: 67). مشابه همین گزاره در نظریه‌ی دولت رانتی آمده است که در آن نفت، مانع تحکیم مردم‌سالاری است. سازوکار تأثیرگذاری دولت رانتی بر مردم‌سالاری، بدین ترتیب است که درآمدهای حاصل از رانت از طریق دیوان‌سالاری دولتی، وابسته بودن طبقات اجتماعی، بی‌نیازی دولت به مالیات‌گیری از شهروندان و عدم پاسخ‌گویی دولت به مردم، منجر به تولید و بازتولید قدرت‌گرایی می‌شود (Sadiki, 1997)؛ زیرا در نظام‌های مردم‌سالار مردم در همه‌ی ارکان از جمله در اقتصاد مشارکت دارند، اما در دولت‌های رانتی، آنان توان رقابت با دولت را پیدا نمی‌کنند. همچنین نفت باعث شکاف و فاصله دولت و جامعه از یکدیگر می‌شود. در نتیجه، اگرچه دولت در راستای تحقق و توجه به خواسته‌های شهروندان می‌کوشد، لکن در عمل نسبت به درخواست‌ها و مطالبات چندوجهی آنان از جمله مشارکت سیاسی بی‌اعتنا است (ابطحی و حیدری، ۱۳۹۲: ۳۲). شواهد تاریخی گویاست زمانی که دولت از زبان صلح‌آمیز استفاده می‌کرد و تساهل و تسامح بیشتری نسبت به شهروندان روا می‌داشت، با کاهش درآمدهای نفتی مواجه بود، و مقطعی که بر وجهی اقتدارگرایانه‌ی دولت افزوده می‌شد، با افزایش درآمدهای نفتی همراه بود؛ اگرچه تحریم‌های بین‌المللی را که به بهانه‌ی برنامه‌ی هسته‌ای علیه ایران برقرار شده‌اند و بی‌تردید در کاهش صادرات نفت و تشدید وخامت وضع اقتصادی ایران نقش داشته‌اند، نباید از نظر دور داشت. به طوری که سهم درآمدهای نفتی ایران از کل درآمدهای دولت در بودجه‌ی سال ۱۳۹۴ از ۴۸ درصد به ۳۱ درصد کاهش یافته است (بانک مرکزی، ۱۳۹۶: ۸). همچنین بر اساس آمارهای اعلامی، صادرات روزانه‌ی نفت ایران در مرداد ماه سال

پیشران‌های مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۰/۱۰۷

۱۳۹۸ به پایین‌ترین سطح خود از سال ۱۳۵۲ تا کنون رسیده است
(<https://www.naftema.com/note/118434>).



علاوه بر تحریم، برخی مطالعات از قبیل پژوهش میدانی جدید دانشگاه استنفورد با عنوان «پروژه ایران ۲۰۴۰»، پیش‌بینی کرده است با توجه به کاهش تولید نفت ایران، احتمالاً ذخائر نفتی ایران رو به اتمام است. بر اساس این مطالعه، هرچند ایران این توانایی را دارد تا کاهش ذخائر نفتی خود را با بهره‌برداری از ذخایر نفتی توسعه‌نیافته جبران کند، اما حفظ این سطح از صادرات نفت پس از ۲۰۲۵ آن هم بدون استفاده از فن‌آوری‌های جدید استخراج، کار بسیار دشواری خواهد بود (<https://phys.org/news/2017-01-iran-economy.html>).

تأثیر چنین کاهشی بر فرایند تحکیم مردم‌سالاری و جامعه انکارناپذیر خواهد بود. بدین ترتیب که اگرچه در یک اقتصاد تک‌محصولی نفت پایه، کاهش ناگهانی درآمدهای نفتی، تنگناهای شدیدی بر اقتصاد و معیشت مردم وارد می‌کند و چشم‌انداز دستیابی به رفاه پایدار نسبی را تیره خواهد کرد؛ اما از سوی دیگر، رابطه‌ی دولت و مردم را به طور بنیادین دگرگون خواهد کرد و دولت ناگزیر به مردم وابسته‌تر و در نتیجه پاسخ‌گویی آن به جامعه افزایش خواهد یافت و نیز میزان شفافیت‌پذیری بالاتر می‌رود و به تبع آن ظرفیت فسادزایی و رانتیری دولت کمتر می‌شود. چنین ویژگی‌هایی به‌نوبه‌ی خود موجبات تحکیم مردم‌سالاری را در آینده، فراهم خواهد کرد.

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

در آینده‌پژوهی پیش‌ران‌ها به عوامل تأثیرگذاری مانند روندها، رویدادها و اقدام‌هایی که ممکن است آینده‌های متمایزی پدید آورند، اشاره دارد. متغیرهای پیش‌ران، مؤلفه‌هایی ترکیبی هستند که موجب وقوع تغییرات در حوزه‌های مورد مطالعه می‌شوند. برای شناسایی عوامل مؤثر بر آینده‌ی مردم‌سالاری در ایران، ضمن بررسی گسترده‌ی ادبیات حوزه‌ی گذار به مردم‌سالاری، با

استفاده از کتاب‌ها، اسناد، مقالات و نیز از طریق مصاحبه با بسیاری از کارشناسان مرتبط، ابتدا تعداد ۸۲ پیشران به دست آمد و پس از بررسی بنا بر نظر اساتید و صاحب‌نظران مؤلفه‌های مشابه حذف یا با هم ترکیب شد که در نهایت پس از چندین نوبت تدقیق و تصحیح تعداد ۱۶ پیشران به شرح زیر مشخص شد:

پیشران‌های مؤثر در تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری در دهه‌ی پنجم انقلاب

ردیف	عنوان‌های پیشران	ردیف	عنوان‌های پیشران
۱	برگزاری انتخابات	۹	تغییر در فشرده‌ی اجتماعی
۲	غیرمولد بودن ساختار اقتصادی، پیشی گرفتن مطالبات معیشتی و اقتصادی بر قابلیت پاسخگویی	۱۰	تحریم‌های بین‌المللی و کاهش درآمدهای نفتی دولت
۳	تحولات منطقه‌ای و فروپاشی نظام‌های غیردموکراتیک در قالب بهار عربی و ادامه‌ی آن تاکنون	۱۱	امکان کنشگری نیروهای جامعه‌ی مدنی و افزایش توان جانم‌زنی سیاسی
۴	افزایش انتظارات گروه‌های اجتماعی، خصوصاً طبقه متوسط فرهنگی برای مشارکت سیاسی	۱۲	توزیع نامناسب ثروت و وجود شکاف‌های ابصاعی
۵	عقب ماندگی سیاست‌گذاری‌های کلان از تحولات جامعه	۱۳	ارتقای سواد، گسترش آموزش عالی، افزایش تعداد دانشجویان و پاسخ‌ناکافی نظام در پاسخ‌گویی به نیازهای آنان
۶	افزایش شمار فقرا و حاشیه‌نشینان شهرهای بزرگ و ناکامی سیاست‌های اشتغال‌زایی و فقرزدایی	۱۴	تأخیر بهمانی شدن بر افزایش آگاهی حقوق بشری جامعه، گسترش شبکه‌های مجازی و افزایش اطلاعات سیاسی و ظرفیت کنشگری جامعه
۷	افزایش فعالیت نهادهای مدنی مستقل و مدافع مردم‌سالاری در کشور	۱۵	توسعه‌ی جمعیت شهرنشین و جوان شدن جمعیت
۸	تغییرات فرهنگی و تغییر در نظام رفتاری و ارزشی جامعه	۱۶	ناکارآمدی در غلبه بر چالش‌ها و افزایش اعتراضات اجتماعی

۵-۱. رتبه‌بندی و تعیین ارزش نیروهای پیشران

در ادامه به منظور بررسی ارزش هر یک از پیشران‌های به دست آمده، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و کارشناسان مربوطه انجام پذیرفت. پس از انجام مصاحبه، در مرحله‌ی کدگذاری، بار دیگر از بین داده‌های پیاده شده (فایل صوتی به متن)، مطالب ارائه شده متناسب با پرسش پژوهش استخراج گردید و به عنوان شاهد گفتاری معنادار (نقل قول مصاحبه

شونده) تحت عنوان عوامل تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری در جدول قرار داده شد. سپس در کدگذاری محوری، کلیدواژه‌های متناسب با شاهد گفتاری استخراج شد که به شناسایی ۲۸ مفهوم کلی انجامید.

۵-۲. کدگذاری گزینشی و محوری

پس از آن درکدگذاری گزینشی، کدگذاری محوری را در سطحی مفهومی‌تر ادامه دادیم. در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود. نتیجه کار باید یک مقوله و یک پدیده‌ی محوری باشد. در این مرحله مفاهیمی را که در کدگذاری محوری به دست آمد، به عنوان مقوله، در یک دسته‌بندی بزرگتر قرار دادیم. به این ترتیب ۷ مقوله از کدگذاری محوری به دست آمده است که در جدول زیر به نمایش درآمده است.

۵-۳. مقوله‌های اصلی و فرعی

مقوله‌ها	مفاهیم
گذار از اقتدارگرایی- تحکیم دموکراسی-گذار به دموکراسی	دگرگونی‌های فرهنگی و اقتصادی کشور- توسعه‌ی اقتصادی-افزایش مطالبات دموکراتیک- پروسه بودن گذار- توقعات فزاینده- تغییر در قشرهای اجتماعی- تکثرگرایی در جامعه- شکل‌گیری گفت‌وگو دموکراتیک- گسترش طبقه‌ی متوسط- اسلام مدرن- بهران کارایی- گسترش اعتراضات و اعتصابات- فرسایش حاکمیت- بهران مشروعیت
پاسخ‌گویی دولت به مردم	کاهش حامی‌پروری- دولت رانتی- نیاز حکومت به مالیات- کاهش اقتدار دولت
کاهش اقتدار حکومت در انحصار اطلاعات- مداخله مدنی- تمرین کنشگری	شکل‌گیری مطالبات دموکراتیک- افزایش کنشگری- مطالبه‌گری- تقویت فرهنگ دموکراتیک- شکسته شدن انحصار- ایجاد تحول ذهنی- گسترش چند صدایی- مداخله مدنی از طریق فضای مجازی- تثبیت دموکراسی- افزایش فرهنگ سیاسی دموکراتیک.

با بررسی و تحلیل مقوله‌های به دست آمده، برای فهم منجسم‌تر مقوله‌ها، آن‌ها را بر اساس شاخصه‌های مؤثر در دوران گذار، به مقوله‌های اصلی و فرعی به شرح مندرج در جدول زیر تبدیل کرده‌ایم.

مقوله اصلی	مقوله های فرعی
حرکت جامعه به سمت مردم سالاری	۱- گذار از اقتدارگرایی ۲- تحکیم دموکراسی ۳- اجماع بر سر دموکراسی ۴- پاسخ گویی دولت به مردم ۵- کاهش اقتدار حکومت در عرصه انحصار اطلاعات ۶- مداخله مدنی ۷- تمرین کنشگری

بر اساس نتایج به دست آمده از مصاحبه با خبرگان مرتبط با گذار به مردم سالاری و با عنایت به مقوله های فرعی مثل: ۱- گذار از اقتدارگرایی؛ ۲- تحکیم مردم سالاری؛ ۳- اجماع بر سر مردم سالاری؛ ۴- کاهش درآمدهای نفتی و لزوم پاسخ گویی بیشتر دولت به مردم؛ ۵- کاهش اقتدار حکومت در عرصه انحصار اطلاعات؛ ۶- مداخله مدنی و ۷- تمرین کنشگری، مشخص می شود که در جامعه ایران متغیرها و پیش ران های مهم و تأثیرگذاری جهت تثبیت مردم سالاری وجود دارد (مقوله اصلی). به بیان دیگر، عواملی چون، نوسازی اجتماعی، گسترش طبقه متوسط جدید، گسترش آموزش و شبکه های اجتماعی و کاهش درآمدهای نفتی، پیش برنده جامعه به سوی تثبیت و تحکیم مردم سالاری خواهد بود. به این بیان که در یک چشم انداز گسترده، دگرگونی ها و تحولات اجتماعی ایران بعد از جنگ و ظهور و کنشگری رسانه ها و شبکه های اجتماعی مجازی و زمینه های کاهش وابستگی دولت به نفت، بستر جامعه را برای تثبیت و تحکیم مردم سالاری مهیاتر خواهد کرد.

افزون بر این، اگر کارگزار تثبیت و تحکیم مردم سالاری را طبقه متوسط قدرتمند بدانیم، ورود موج گسترده تحصیل کردگان دانشگاهی، سبب قدرت گرفتن طبقه متوسط جدید شده، به نحوی که قادر است با کاربست ظرفیت های خود ساختار قدرت سیاسی را به سوی تأمین مطالبات سیاسی- فرهنگی دموکراتیک خود، سوق دهد. همچنین قدرت یابی طبقه متوسط فرهنگی، به آماده سازی فرهنگ عمومی برای پذیرش هنجارهای مردم سالاری کمک می کند و در درازمدت آن را به شیوه زیست فرهنگ عمومی تبدیل می کند. اعضای طبقه متوسط، نیروهای مردم سالاری هستند که اگرچه سیاست های نادرست اقتصادی فشار زیادی بر آنان وارد می کند، اما آگاهی و تعلق آنان به ارزش های مردم سالاری نه تنها تضعیف نخواهد شد، بلکه تمایلات مشارکت جویانه و دموکراسی خواهی آنان، تقویت نیز می شود.

از سوی دیگر، جایگاه نفت به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد اقتصادی دولت با شدت و سرعت رو به کاهش نهاده است و این امر به ناگزیر سبب خواهد شد میدان گسترده‌تری برای بخش غیردولتی و بخش خصوصی گشوده شود. بدیهی است، هرچه میزان مداخله‌گری دولت‌ها در اقتصاد کاهش یابد، زمینه‌های تحکیم مردم‌سالاری تقویت می‌شود. در این زمینه با توجه به همسازی بازار و طبقه‌ی متوسط، این نیرو می‌تواند بازار را تحت تأثیر قرار دهد و با استفاده از قدرت اقتصادی، زمینه‌ی تقویت و تحکیم مردم‌سالاری را هم فراهم کند.

گذشته از آن، افزایش کاربران فناوری‌های نوین ارتباطی، تغییر نگرش‌ها و بینش‌ها را در ایران دامن زده و موجب تبادل اطلاعات و تضارب آراء و انتقال و اشاعه‌ی افکار جدید در کشور شده است. طبقه‌ی متوسط جدید در ایران که به واسطه‌ی فرایندهای ارتباطات و رسانه جهانی، به آگاهی جهانی فزاینده‌ای دست یافته است و پیوسته خود را با شهروندان دیگر جوامع مقایسه می‌کند، تقاضاهای گسترش‌یابنده‌ی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد که پاسخ‌گویی به همه‌ی آن‌ها، مستلزم برخورداری و ایجاد ظرفیت‌های دموکراتیک خواهد بود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد عواملی مانند نوسازی اجتماعی، گسترش طبقه‌ی متوسط جدید، گسترش آموزش و شبکه‌های اجتماعی، رشد جامعه‌ی مدنی و کاهش درآمدهای نفتی، پیشران‌های اصلی حرکت جامعه به سمت تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری در افق ۱۴۱۰ خواهد بود.

۶- نتیجه‌گیری

جامعه‌ی ایران تقریباً هم‌زمان با موج سوم دموکراسی‌سازی، تحولاتی سرنوشت‌ساز، برای حرکت به سوی مردم‌سالاری با محوریت آموزه‌های دینی، تجربه کرد و در حذف رژیم اقتدارگرایی گذشته و استقرار نظام نوین به کامیابی‌هایی رسید؛ اما مردم‌سالاری، به مثابه‌ی شیوه‌ی سازماندهی زندگی سیاسی، همواره امری در حال شدن است و پس از استقرار به اتخاذ تدابیری برای تثبیت و تحکیم خود نیازمند است. برای جمهوری اسلامی ایران که الگویی منحصره‌فرد از مردم‌سالاری دینی را ارائه کرده است، این ضرورت دوجندان می‌شود. این نوشتار در پاسخ بدین ضرورت با تمرکز بر مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر در تثبیت مردم‌سالاری در دهه‌ی پنجم انقلاب نگاشته شده است. بدین منظور با رویکرد آینده‌پژوهانه و با تکیه بر روش تحلیل روند، پیشران‌های مؤثر در تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری در ایران شناسایی و ضمن بررسی توصیفی و دسته‌بندی مقوله‌های احصاء شده با کمک خبرگان علمی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، از میان ۸۲ نیروی پیشران کلی مؤثر، جمع‌بندی نهایی صورت گرفت و ۱۶ پیشران نهایی به دست آمد. سپس از طریق کدگذاری باز، گزینشی و محوری مصاحبه‌ها، مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر در تثبیت مردم‌سالاری در افق ۱۴۱۰ استخراج شد.

پژوهش حاضر، با اتخاذ رویکرد ترکیبی ساختاری- کارگزاری و محوریت قائل شدن برای متغیرهای درون‌زای اجتماعی در تثبیت مردم‌سالاری، اثرات تحولات ژرف ساختاری و ظهور کنشگران نوینی همچون حضور رسانه‌ها و شبکه‌های جدید اجتماعی و نقش‌آفرینی افزون‌تر سیاسی آن‌ها، ارتقای آگاهی جامعه ناشی از افزایش کمی و کیفی تحصیل‌کردگان دانشگاهی، گسترش طبقه‌ی متوسط جدید، گسترش شهرنشینی، دگرگونی مناسبات سلسله‌مراتبی دولت و جامعه ناشی از زیرفشار قرار گرفتن منابع مالی دولت در اثر تحریم‌های اقتصادی و فربه‌تر شدن نیروهای جامعه مدنی را به منزله‌ی پیشران‌های تثبیت مردم‌سالاری در دهه‌ی پنجم انقلاب شناسایی کرده است. توده‌ای شدن آموزش عالی و گسترش شتابان شبکه‌های اجتماعی جدید و رقابت آن‌ها با دولت، سبب توسعه‌ی شعاع آگاهی مردم و بسط مطالبات مردم‌سالارانه خواهد شد. در این میان، نقش نفت به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد اقتصادی دولت روبه کاهش نهاده و دولت ناگزیر به گشودن عرصه‌های وسیع‌تر به روی بخش خصوصی خواهد شد و در یک رابطه‌ی معکوس، هر میزان قدرت مداخله‌گری دولت در اقتصاد کاهش یابد، زمینه‌های رشد و تثبیت مردم‌سالاری گسترش خواهد یافت. درمجموع با توجه به پیشران‌های مردم‌سالاری، فرایندها در جامعه‌ی ایران در یک افق قابل پیش‌بینی (۱۴۱۰) به سوی تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری پیش خواهد رفت. البته متغیرها و پیشران‌های تثبیت مردم‌سالاری، اقتضایی و مشروط هستند؛ بدین معنی که چنانچه ساختار سیاسی متناسب با شاخص‌های یادشده در جهت تمهید و توسعه‌ی قابلیت پاسخ‌گویی و جذب و هضم خواسته‌های مردم‌سالارانه ظرفیت سازی نکند، پیشران‌ها در نقش پسران‌های مردم‌سالاری ظاهر خواهند شد. از این رو، بایسته است با تقویت ظرفیت‌ها و ساختارها و ایجاد سازوکارهای لازم برای سازگاری با این فرایندها و پاسخ‌گویی به تقاضاهای نوظهور، امکان ظهور آینده‌ی مبتنی بر چالش و بی‌ثباتی محدود گردد و در جهت تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری بسترسازی شود.

کتابنامه

۱. ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۹)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: نشر قومس
۲. امینی، آرمین، یوسفی ثابت، حسین، (۱۳۹۸)، *تاثیر رسانه های نوین بر دموکراسی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰ (۳۹): ۱-۲۶.
۳. ابطحی، مصطفی، حیدری، نصرت‌الله، (۱۳۹۲)، *بررسی رابطه نفت و توسعه نیافتگی سیاسی در ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۵ (۱۹): ۲۵-۴۴.
۴. بای، نادعلی، (۱۳۹۸ / ۸ / ۲۸)، «آیا اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۰ از رکود خارج خواهد شد؟» قابل دسترسی در سایت:

<https://www.naftema.com/note/118434>

پیشران‌های مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۰/ ۱۱۳

۵. «اختلاف معنادار تعداد دانشگاه‌ها در ایران و جهان»، (۱۳۹۵/۵/۱۰). قابل دریافت در سایت:

<https://www.isna.ir/news/95050105835>

۶. بشیریه حسین، (۱۳۹۴)، *گذار به دموکراسی*، نگاه معاصر، تهران، چاپ پنجم.

۷. بانک مرکزی، (۱۳۹۶)، قابل دسترس در سایت: <http://www.cbi.ir>

۸. «بررسی پروژه جدید توسعه اقتصاد ایران»، (۲۰۱۷/۸/۲)، قابل دسترسی در سایت:

<https://phys.org/news/2017-01-iran-economy.html>

۹. پدram عبدالرحیم و دیگران، (۱۳۸۸)، *آینده پژوهی، مفاهیم و روش‌ها*، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، چاپ اول.

۱۰. «تحریم نفت؛ مشتریان رفتند، جای ایران هم پر شد»، (۱۳۹۸/۷/۱۴)، قابل دسترسی در سایت:

<https://www.bbc.com/persian/iran-features-50288112>

۱۱. حاشیه نشینی؛ خاستگاه اصلی آسیب‌های اجتماعی، خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۶/۷/۱۱) قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/82716972>

۱۲. حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۷۷)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، سمت.

۱۳. حسینی مقدم، محمد، (۱۳۹۱)، *کاربرد آینده پژوهی در علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل لایه لایه علت‌ها*، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۳.

۱۴. دلاور، علی، (۱۳۸۳)، *مبانی نظری و عملی پژوهش*، تهران، رشد.

۱۵. «دانشگاه‌های ایران به روایت آمار و ارقام. خبرگزاری دانشجویان ایران»، (۹/ ۳/ ۱۳۹۷). قابل دسترس در:

<https://www.isna.ir/news/97030804268>

۱۶. رتبه ۲۱ ایران از نظر تعداد کاربر اینترنت، دنیای اقتصاد، (۱۳۹۹/۶/۱۲)، قابل دسترس

<https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3402446>

۱۷. رهبرقازی، محمد رضا، معتمدی، سمیه، شهریاری، اعظم، (۱۳۹۶)، *تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی؛ با توجه به متغیرهای میانجی بحث سیاسی، اثربخشی سیاسی و فرهنگ سیاسی*، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، (۲)۶: ۱۲۷-۱۴۹.

۱۸. شهرام نیا، سید امیر مسعود، (۱۳۹۲)، *جهانی شدن، دموکراسی و جنبش‌های دموکراتیک در ایران*، جامعه‌شناسی ایران، ۱۴(۲): ۵۲-۸۹.

۱۹. عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۹۳)، *آینده علوم سیاسی در ایران از نظر تا واقعیت، سیاست متعالیه*، ۲(۵): ۲۹-۴۲.

۲۰. علی احمدی، علیرضا، ثقفی، فاطمه، فتحیان، محمد، (۱۳۸۶)، *ارائه متدولوژی تحلیل روند برای شکل گیری استراتژی و آینده نگاری، مدیریت فرد،* شماره ۱۸: ۴-۱۴
۲۱. فاضلی، محمد؛ (۱۳۸۹)، *بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی،* تهران، انتشارات کند و کاو.
۲۲. فاین، بن، (۱۳۸۰)، *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی؛ اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم،* ترجمه سروریان، محمدکمال، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. قاضی مرادی، حسن، (۱۳۹۷)، *گذارهای دموکراسی،* تهران، نشر اختران.
۲۴. فریدونی، سمیه، و زهرا رشیدی (۱۳۹۸)، *پیامدهای فرهنگی گسترش کمی آموزش عالی در ایران،* دوفصلنامه آینده پژوهی ایران، ۴(۱): ۲۹-۴۹.
۲۵. کدیور، محمدعلی، (۱۳۸۶)، *گذار به دموکراسی، ملاحظات نظری و مفهومی،* تهران، گام نو.
۲۶. گیل، گریم، (۱۳۹۴)، *پویایی سازی دموکراسی؛ نخبگان، جامعه مدنی و فرایند گذار،* تهران، نشر اختران
۲۷. لسان طوسی، فهیمه، و امیر مانیان، و مصطفی تقوی، و محمد مهدی ذوالفقار زاده، (۱۳۹۹)، *فضای سایبر و آینده هویت ملی: هشدارهای راهبردی برای امنیت ملی با رویکرد تحلیل لایه-ای علتها،* دوفصلنامه آینده پژوهی ایران، ۵(۱): ۳۰۵-۳۲۹.
۲۸. مور، برینگتور، (۱۳۶۹)، *ریشه‌های دیکتاتوری و دموکراسی،* ترجمه حسین بشیریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۹. ملکی فر، عقیل و همکاران، (۱۳۸۵)، *القبای آینده پژوهی، اندیشکده صنعت و فن آوری و مرکز آینده پژوهی علوم و فن آوری دفاعی،* تهران: انتشارات کرانه علم.
۳۰. منزوی، مسعود و دیگران، (۱۳۸۶)، *محیط شناسی راهبردی بر اساس روش تحلیل روند، ماهنامه نگرش راهبردی،* شماره های ۸۵-۸۶.
۳۱. محمدی، مجید، (۱۳۹۷)، *جامعه ایران در حال گذار، ناهنجار، آشفته و در گیر و دار،* آموزشکده توانا، آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران
- Tavaana: E-Learning Institute for Iranian Civil Society"
۳۲. مرکز آمار ایران، (۱۳۹۸ و ۱۳۹۲)، *قابل دسترس در سایت:*
<https://www.amar.org.ir>
۳۳. هانتینگتون، ساموئل؛ (۱۳۷۳)، *موج سوم در پایان سده بیستم،* ترجمه‌ی احمد شهسا، تهران، روزنه.
۳۴. هزارجریبی، جعفر، (۱۳۸۹)، *بررسی نظری بر شناخت طبقه متوسط، با تاکید بر طبقه متوسط جدید در ایران،* فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۰: ۶۳-۹۰

پیشران‌های مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۰/ ۱۱۵/

۳۵. یوسفی، اشکان، کشاورز، عین‌الله، نهادی، هادی، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع مقدس بر آینده امنیت ایران، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۱۷: ۶۹-۹۶

۳۶. «نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵»، مرکز آمار قابل دریافت در سایت:

www.amar.org.ir

۳۷. «نرخ بیکاری، جمعیت، ۱۵، ساله و بیشتر»، (۱۳۹۹/۲/۱۳)، قابل دسترس در سایت:

<https://www.amar.org.ir/news/ID/12815/>

References

1. Azghandi, Alireza, (2010), *An Introduction to Iranian Political Sociology*, Tehran: Qoms Publishing. (in Persian).
2. Amini, Armin, Yousefi Sabet, Hossein, (2009), The Impact of New Media on Democracy, *Quarterly Journal of Political and International Research*, Volume 10, Number 39, pp. 1-26 (in Persian).
3. Abtahi, Mostafa, Heidari, Nusratullah, (2013), A Study of the Relationship between Oil and Political Underdevelopment in Iran, *Quarterly Journal of Political Studies*; Fifth Year, No. 19, pp. 44-25. (in Persian).
4. Bai, Nadali, (8/28/2009), "Will Iran's economy come out of recession in 2020?" Available on the site: <https://www.naftema.com/note/118434>. (in Persian).
5. Significant difference in the number of universities in Iran and the world, (10/5/2016). Available at: <https://www.isna.ir/news/95050105835>. (in Persian).
6. Bashirieh Hossein, (2015), *Transition to Democracy*, Contemporary View, Tehran, fifth edition. (in Persian).
7. Central Bank, (2017), available at: <http://www.cbi.ir>. (in Persian)
8. "Review of the new project for the development of Iran's economy" (2/8/2017), available at: <https://phys.org/news/2017-01-iran-economy.html>.
9. Pedram Abdollahim et al., (2009), *Futurology, Concepts and Methods*, Tehran, Defense Science and Technology Futures Research Center, Defense Industries Educational and Research Institute, First Edition. (in Persian).
10. Oil embargo; Customers left, Iran's place was also filled , (7/14/2009), available at: <https://www.bbc.com/persian/iran-features-50288112>. (in Persian).
11. Marginalization; The main origin of social harms, Islamic Republic News Agency (7/11/2017), available at: <https://www.irna.ir/news/82716972> (in Persian).
12. Hafeznia, Mohammad Reza, (1998), *Introduction to research method in humanities*, Tehran, Samat. (in Persian).
13. Hosseini Moghadam, Mohammad, (2012), The application of futures studies in political science based on the method of layered analysis of causes, *Journal of Political and International Approaches*, No. 23. (in Persian).
14. Delavar, Ali, (2004), *Theoretical and practical foundations of research*, Tehran, Roshd. (in Persian).

15. «Iranian universities according to statistics. Iranian Students News Agency», (9/3/2008). Available at: <https://www.isna.ir/news/97030804268/> (in Persian).
16. Ranked 21st in Iran in terms of number of Internet users, World Economy, (4/6/2016), available <https://www.donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3402446>.
17. Rahbar Ghazi, Mohammad Reza, Motamedi, Somayeh, Shahriari, Azam, (2017), The effect of social networks on political participation; According to the mediating variables of political discussion, political effectiveness and political culture, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, Volume 6, Number 2, Pages 127-149
18. Shahramnia, Seyed Amir Massoud, (2013), Globalization, Democracy and Democratic Movements in Iran, *Sociology of Iran*, Volume 14 - Number 3, pp. 52-89. (in Persian).
19. Eivazi, Mohammad Rahim, (2014), *The Future of Political Science in Iran from the Perspective to Reality*, Transcendent Politics, Second Year, Fifth Issue, pp. 29-42. (in Persian).
20. Ali Ahmadi, Alireza, Saghafi, Fatemeh, Fathian, Mohammad, (2007), Presenting the methodology of trend analysis for the formation of strategy and foresight, *Tomorrow's Management*, No. 18, pp. 4-14. (in Persian).
21. Fazeli, Mohammad; (2010), *Structural Foundations of Consolidation of Democracy*, Tehran, Kand va Kav Publications. (in Persian).
22. Fine, Ben, (2001), *Social Capital and Social Theory; Political Economy and Social Science at the Beginning of the Third Millennium*, translated by Sarvarian, Mohammad Kamal, Tehran, Research Institute for Strategic Studies.
23. Ghazi Moradi, Hassan, (2008), *Transitions of Democracy*, Tehran, Akhtaran Publishing. (in Persian).
24. Fereydoni, Somayeh, and Zahra Rashidi (2009), Cultural Consequences of Quantitative Expansion of Higher Education in Iran, *Bi-Quarterly Journal of Iranian*, Futurology, Fourth Year, First Issue, Spring and Summer 1398, pp. 29-49. (in Persian).
25. Kadivar, Mohammad Ali, (2007), *Transition to Democracy*, Theoretical and Conceptual Considerations, Tehran, New Step. (in Persian).
26. Gil, Grimm, (2015), *The Dynamics of Democracy; Elites, Civil Society and the Transition Process*, Tehran, Akhtaran Publishing. (in Persian).
27. Lesan Tusi, Fahimeh, and Amir Manian, and Mostafa Taghavi, and Mohammad Mehdi Zolfagharzadeh, (2010), *Cyberspace and the Future of National Identity: Strategic Warnings for National Security with a Layered Analysis of Causes*, Iran, *Futurology Quarterly*, Fifth year, first issue, pp. 305-329. (in Persian).
28. Moore, Brington, (1990), *The Roots of Dictatorship and Democracy*, translated by Hossein Bashirieh, Tehran, University Publishing Center. (in Persian).

29. Malekifar, Aqeel et al., (2006), *Future Studies Alphabet, Institute of Industry and Technology and Center for Future Studies in Defense Science and Technology*, Tehran: Karaneh Alam Publications. (in Persian).
30. Manzavi, Masoud Oudigaran, (2007), Strategic Environment Based on Trend Analysis Method, *Strategic Attitude Monthly*, Nos. 85-86 . (in Persian).
31. Mohammadi, Majid, (2008), *Iranian society in transition, abnormal, turbulent and entangled*, Tavana School, Virtual School for Iranian Civil Society. Tavaana: E-Learning Institute for Iranian Civil Society ". (in Persian).
32. Statistics Center of Iran, (2009 and 2003), available at: <https://www.amar.org.ir>. (in Persian).
33. Huntington, Samuel (1994), *The Third Wave at the End of the Twentieth Century*, translated by Ahmad Shahsa, Tehran, Rozaneh.
34. Hezar Jaribi, Jafar, (2010), A Theoretical Study on the Cognition of the Middle Class, with Emphasis on the New Middle Class in Iran, *Social Sciences Quarterly*, No. 50, pp. 63-90 .
35. Yousefi, Ashkan, Keshavarz, Ainullah, Nohadi, Hadi, (2009), A Study of the Tire of Cultural and Social Components of Sacred Defense on the Future of Iran's Security, *Quarterly Journal of Defense Strategy*, No. 17, pp. 69-96. (in Persian).
36. General Results of the General Census of Population and Housing 2016, Statistics Center available at: www.amar.org.ir (in Persian).
37. Unemployment rate, population, 15, years and more", (13/2/2010), available at: <https://www.amar.org.ir/news/ID/12815/>
38. Clark, p. B. and Foweraker, (2001), *Encyclopedia of Democratic Thought*, London: Routledge.
39. Strauss, A. L., & Corbin, J. M. (1994). *Basics of qualitative research, techniques and procedures for developing grounded theory*. (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Press.
40. Sadiki, Larbi ,(1997), Toward Arab Liberal Governance: from the Democracy of Bread to the Democracy of the Vote, *Third World Quarterly*, vol. 18, no. 1.
41. Seymour Martin Lipset,(1959), Some Social Requisites of Democracy; Economic Development and Political Legitimacy, *American Political Science review*, 53
42. Forgacs David (2000), *The Antonio Gramsci Reader*, Selected Writings 1916-1935 NYU Press.
43. Lipst, Simon Martin ,(2002) , *Encyclopedia of Democracy*, translated by Kamran Agakhani and Noorullah Moradi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
44. Luciani, G ,(1986), *Allocation vs production states atheoretical framework, in hazem beblawi and Giacomo luciani, Eds, the arabstate*, New York: Groom helm.

